



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۹)

آزادسازی اقتصادی؛ الزامات و بسترها

تأیید شده در

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۳۱ مرداد ماه ۱۳۹۵



پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، نهمین خروجی این ایده می‌باشد. به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

تعریف آزادسازی اقتصادی

آزادی اقتصادی یکی از موضوعات مهم مورد بحث در میان اقتصاددانان طی دهه‌های اخیر بوده است و مهم‌ترین اصل نظام سرمایه‌داری محسوب می‌گردد. تفکر اولیه آزادی اقتصادی به "آدام اسمیت" بنیانگذار مکتب کلاسیک نسبت داده می‌شود؛ وی با در نظر گرفتن فروشی مانند شفافیت کامل بازار، وجود کالاهای همگن، تحرک آزاد عوامل تولید و تعدد خریداران و فروشندگان، به این نکته اشاره می‌نمود که اگر افراد به دنبال نفع شخصی خود باشند، دست نامرئی، بازار را تنظیم می‌کند و منافع جامعه به بهترین شکل حاصل خواهد شد. وی در مجموع به دخالت دولت در اقتصاد اعتقاد نداشت و وظایف دولت را تنها به برقراری نظم و حراست از مالکیت خصوصی و وظایف کلان حکومتی محدود کرده بود.

بر اساس آنچه ارائه شد، آزادسازی اقتصادی به معنای حذف مداخله دولت در اقتصاد و آزادی ورود و خروج در بازارها است و شامل مجموعه اقداماتی است که به برداشتن کنترل‌های دولتی از بازارهای مالی و سرمایه، بازارهای کالاها و خدمات و بازار کار و واگذاری آن به مکانیسم بازار می‌انجامد. بنابراین آنچه به عنوان محور آزادی اقتصادی بر سر آن اجماع نظر وجود دارد، حداقل بودن میزان دخالت دولت در اقتصاد است.

آزادی تجاری و آزادی ورود و خروج سرمایه از جمله مواردی هستند که به اختصار در این بروشور به آن‌ها پرداخته می‌شود.

نگاهی به آزادسازی تجاری در دیدگاه‌های مختلف

آزادسازی تجاری یکی از جنبه‌های مهم آزادسازی است. اقتصاددانان مکتب کلاسیک به عنوان طرفداران اصلی تجارت آزاد، معتقد بودند که تجارت آزاد کالا با بهبود قدرت تولیدی و افزایش سرمایه، موجبات پیشرفت کشورها را فراهم می‌نماید و از این طریق کشورها می‌توانند به توسعه دست یابند. در واقع هدف اصلی کلاسیک‌ها از آزادسازی تجارت، رفع نیاز به کالا بود چراکه این اقتصاددانان به موجودی کالاها به عنوان عامل اصلی کسب قدرت می‌نگریستند. به عبارت دیگر این تنورسین‌ها معتقد بودند که از طریق آزادسازی تجاری و مبادله کالا به کالا، می‌توان موجودی کالاها را افزایش داد و سودهای بیشتری کسب نمود.

"فردیک لیست" نظریه‌پرداز آلمانی که به پدر مبحث صنایع نوپا معروف است، طرفداری کلاسیک‌ها از آزادسازی تجارت را مورد انتقاد قرار داد. لیست اعتقاد داشت که هدف اصلی از تجارت، تنها تامین کالا نیست، بلکه مهمترین انگیزه برای انجام این عمل، افزایش قدرت تولیدی و سیاسی کشورها در عرصه رقابت بین‌المللی است. این درحالیست که طرفداران آزادسازی تجارت این هدف مهم را مورد توجه قرار نداده بودند و تنها به مبادله کالا تاکید داشتند. از نظر لیست، کلاسیک‌ها در طرفداری از آزادسازی تجاری به شرایط اولیه کشورها توجه نکرده بودند. وی معتقد بود که اگرچه تجارت آزاد میان کشورهای دارای سطوح مشابه توسعه یافتگی، مزایایی را به دنبال دارد، اما میان کشورها با سطوح مختلف توسعه یافتگی، زیان‌های فراوانی را به کشورهای کمتر توسعه یافته با قدرت تولیدی پایین، وارد می‌کند. بنابراین آزادسازی تجاری تنها برای کشورهایی که از قدرت تولیدی بالایی برخوردار هستند و به درجه قابل قبولی از توسعه یافتگی دست یافته‌اند، سودمند است و در کشورهایی که مراحل رشد طی نشده، ابتدا دولت باید از طریق حمایت هدفمند از صنایع داخلی، قدرت تولیدی کشور را افزایش دهد و بعد به تدریج اقدام به آزادسازی نماید.

نکته حائز اهمیت دیگری که طرفداران آزادسازی تجاری به آن تاکید داشتند، تجارت آزاد متکی بر مزیت نسبی بود. کلاسیک‌ها معتقد بودند که اگر کشوری در محصولی مزیت نسبی دارد، باید به تولید آن محصول بپردازد و محصولاتی را که در آن‌ها مزیت ندارد، به صورت

ارزانت‌تر از سایر کشورها وارد کند. لیست با طرح مسئله خلق مزیت، نقد دیگری به نظریات اقتصاددانان کلاسیک وارد کرد و تجارت مبتنی بر مزیت نسبی را به چالش کشید. وی راه نجات کشورهای درحال توسعه را خلق مزیت و نه اتکا به مزیت‌های نسبی عنوان کرد و معتقد بود که اتکای صرف به فروش مواد اولیه و با ارزش افزوده اندک به سایر کشورها که یکی از ویژگی کشورهای درحال توسعه است، باعث ضعف اقتصاد داخلی و وابستگی جدی به کشورهای پیشرفته می‌شود. از نگاه لیست اگر کشورهای درحال توسعه با بنیه تولیدی ضعیف، فقط براساس مزیت نسبی خود به تجارت بپردازند، باید همواره به صادرات مواد خام و با ارزش افزوده پایین مشغول باشند. از این‌رو دولت‌ها برای منتفع شدن از رقابت در عرصه بین‌المللی باید خلق مزیت در کشور را مورد توجه قرار دهند و با ایجاد صنایع راهبردی و حمایت موثر و هدفمند از این صنایع، زمینه‌های تقویت تولید و تجارت را فراهم کنند.

در مجموع لیست و طرفداران وی، بهره‌مندی از آزادسازی تجاری را به شرایط داخلی کشورها و بنیه تولیدی آن‌ها منوط می‌کردند و اجرای این سیاست بدون لحاظ شرایط اولیه هر کشور را معادل با به خطر افتادن منافع اقتصاد ملی می‌دانستند.

تجارب کشورها در خصوص آزادسازی تجاری

بررسی مطالعات تاریخی صورت گرفته درخصوص تجربه آزادسازی تجاری در کشورهای موفق گویای آن است که کشورهای توسعه یافته کنونی قبل از دسترسی به توسعه، نه تنها اقدام به آزادسازی افراطی نکردند، بلکه حمایت‌هایی نیز در جهت تقویت اقتصاد خویش به عمل آوردند.

"هاجون چانگ" اقتصاددان برجسته کره‌ای و استاد دانشگاه کمبریج در مطالعات گسترده خود براساس شواهد تاریخی نشان می‌دهد که دولت‌ها در کشورهای پیشرفته کنونی نظیر بریتانیا، آمریکا، آلمان و سایر کشورهای موفق، قبل از دستیابی به توسعه، سیاست‌های حمایتی خود را از بخش‌های مورد نظر اعمال نموده و بعد از تقویت صنایع خویش، در زمان مناسب و با

رعایت توالی صحیح سیاست‌ها و بسترهای لازم، به تدریج اقدام به آزادسازی نمودند. تجربه برخی از کشورها به شرح ذیل است:

بریتانیا: با وجود اینکه بریتانیا به عنوان یک اقتصاد آزاد از قرن نوزدهم شناخته می‌شود، اما این کشور یکباره اقدام به آزادسازی تجاری نکرد. بریتانیا ابتدا تقویت صنایع تولیدی خود را در دستور کار قرار داد و از طریق اقداماتی مانند سیاست‌های جایگزینی واردات، اعطای یارانه‌های صادراتی به صنایع منتخب و راهبردی، وضع تعرفه‌های وارداتی، انجام اصلاحات در قانون تجارت خود و مواردی از این دست، به حمایت از صنایع داخلی مورد نظر پرداخت و به این نحو توانست به عنوان نخستین کشور موفق در استراتژی تقویت صنایع نوپا عمل نماید. این کشور در دهه ۱۸۶۰ بعد از تقویت صنایع تولیدی خود و دستیابی به درجه مطمئنی از توسعه یافتگی، اقدام به آزادسازی تجاری نمود که البته این عمل را نیز به صورت کاملاً تدریجی، مهار شده و تحت نظارت دولت به اجرا درآورد.

آمریکا: با وجود اینکه بریتانیا به عنوان نخستین کشور موفق در استراتژی تقویت صنایع نوپا به شمار می‌رود، اما کشور آمریکا نیز به میزان زیادی از این استراتژی به منظور تقویت بنیه تولیدی خود استفاده نمود. از سال ۱۸۱۶، در سیاست‌گذاری کشور آمریکا، تحول چشمگیری رخ داد؛ این کشور حمایت‌های تعرفه‌ای را اعمال نمود و تمام سیاست‌گذاران اقتصادی آمریکا قبل از ورود به مرحله توسعه یافتگی، با نگاه حمایتی دولت وارد عرصه سیاست‌گذاری شدند. این کشور علی‌رغم داشتن مزیت نسبی در بخش کشاورزی، فقط به این بخش بسنده نکرد بلکه به خلق مزیت در بخش صنعت نیز پرداخت. نکته حائز اهمیت این است که حمایت‌های تعرفه‌ای تنها سیاست دولت آمریکا برای توسعه اقتصادی نبود بلکه سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، واگذاری زمین‌های دولتی به دانشکده‌های کشاورزی، تقویت توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و مواردی از این قبیل، از دیگر حمایت‌های دولت بود. در واقع کشور آمریکا تا سال‌ها مرکز فکری حمایت‌گرایی بود و بعد از جنگ جهانی دوم با برتری صنعتی بلامنازع،



مبلغ تجارت آزاد شد.

کره جنوبی: بررسی تجربه کره جنوبی به عنوان یکی از کشورهای موفق نشان می‌دهد که این کشور با حمایت‌های دولت توسعه‌گرای خود و از طریق پیاده‌سازی سیاست‌های صحیح صنعتی، توانست به کره امروزی تبدیل شود. دولت کره جنوبی از دهه ۱۹۶۰ برخی از صنایع راهبردی مانند خودروسازی، کشتی‌سازی، صنایع الکترونیک، مواد شیمیایی و سیمان را انتخاب نمود و از طریق حمایت‌های ویژه و مشروط از بخش‌های منتخب، به تقویت صنایع داخلی خود پرداخت تا این صنایع توانایی رقابت با سایر کشورها را داشته باشند. لازم به ذکر است که دولت کره جنوبی در مقابل حمایت‌های مشروط و هدفمند خود، عملکرد صنایع منتخب را مورد بررسی قرار می‌داد و در صورت نامناسب بودن عملکرد، صنایع را از حمایت‌های خود محروم می‌نمود. این کشور همانند بریتانیا بعد از شکل‌گیری و توانمند شدن بنگاه‌های تولیدی داخلی خود، به تدریج به آزادسازی تجاری پرداخت.

علاوه بر کشورهای فوق‌الذکر، جدول (۱) نیز گویای آن است که کشورهای توسعه‌یافته امروزی، زمانی که توسعه نیافته بودند، حمایت‌های تعرفه‌ای را برای تقویت بخش‌های تولیدی خود به کار می‌بردند و به تدریج با دستیابی به سطوحی از توسعه و بهبود قدرت تولیدی، میزان حمایت‌های خود را کاهش دادند. همچنین دولت‌ها بعد از جنگ جهانی و به دنبال خسارت‌های وارد شده به اقتصادشان، مجدد وارد عمل شدند و حمایت‌های تعرفه‌ای خود را به منظور تقویت صنایع داخلی به عمل آوردند. بررسی آخرین آمارها گویای آن است که طی سال‌های اخیر کشورهای توسعه‌یافته امروزی، نرخ‌های تعرفه خود را در راستای الحاق به سازمان تجارت جهانی، کاهش داده‌اند.

جدول (۱): متوسط نرخ تعرفه محصولات صنعتی برای کشورهای توسعه یافته
 امروزی (میانگین وزنی؛ درصد ارزش)

سال	۱۸۲۰	۱۸۷۵	۱۹۱۳	۱۹۲۵	۱۹۳۱	۱۹۵۰**
اتریش	م*	۱۵-۲۰	۱۸	۱۶	۲۴	۱۸
فرانسه	م	۱۲-۱۵	۲۰	۲۱	۳۰	۱۸
آلمان	۸-۱۲	۴-۶	۱۳	۲۰	۲۱	۲۶
ایتالیا	-	۸-۱۰	۱۸	۲۲	۴۶	۲۵
سوئد	م	۳-۵	۲۰	۱۶	۲۱	۹
سوئیس	۸-۱۲	۴-۶	۹	۱۴	۱۹	-
بریتانیا	۴۵-۵۵	۰	۰	۵	-	۲۳
آمریکا	۳۵-۴۵	۴۰-۵۰	۴۴	۳۷	۴۸	۱۴

منبع: کتاب دولت توسعه‌گرا، گروه مدیریت و اقتصاد مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸.

* محدودیت‌های زیاد و مهمی بر واردات صنعتی وجود داشت و متوسط نرخ تعرفه بی‌مفهوم است.

** بعد از جنگ جهانی دوم

نکته قابل توجه آن است که اگر آزادسازی تجاری به درستی اجرا شود، مزایای زیادی را در پی خواهد داشت، اما اگر این سیاست به صورت سریع، زود هنگام و در شرایطی اجرا شود که بنیه تولیدی کشور ضعیف و بسترها و الزامات نیز موجود نباشد، در این صورت باز شدن درهای کشور به سوی دنیای خارجی منجر به بروز بی‌ثباتی در کشور می‌شود. درحقیقت کشورهای پیشرفته غربی و کشورهای توسعه‌یافته آسیای شرقی زمانی اقدام به آزادسازی تجاری نمودند که به درجه‌ای از توسعه‌یافتگی دست یافته بودند. این کشورها ابتدا صنایع راهبردی خود را مشخص و با حمایت از این صنایع، قدرت تولیدی کشور خود را بهبود بخشیدند و بعد به تدریج اقدام به آزادسازی تجاری نمودند.

نگاهی به آزادسازی بازار سرمایه در دیدگاه‌های مختلف

آزادسازی بازار سرمایه یکی دیگر از جنبه‌های آزادسازی اقتصادی است که به معنی حداقل ساختن مقرراتی است که هدفش کنترل جریان پول‌های سوزان (یعنی پول‌هایی که به کشوری وارد یا از آن خارج می‌شوند) از داخل به خارج و بالعکس است. طرفداران آزادسازی حساب سرمایه معتقدند که با استفاده از این سیاست، سرمایه بیشتری به کشور میزبان وارد می‌شود و از طریق تامین و تنوع بخشی منابع مالی، ثبات اقتصادی کشور پذیرنده سرمایه تقویت می‌گردد. این اقتصاددانان همچنین اعتقاد دارند که نه تنها با آزادسازی حساب سرمایه، پول وارد کشور می‌شود، بلکه تجربه‌های مدیریتی، توانایی‌های کارفرمایی و مهارت‌های تکنولوژیکی نیز به کشور میزبان سرمایه منتقل می‌شود و به این ترتیب توانایی‌های کشور پذیرنده سرمایه افزایش می‌یابد.

"چانگ" و "استیگلیتز" برنده جایزه نوبل اقتصادی، با نقد نظرات طرفداران آزادسازی حساب سرمایه نشان می‌دهند که اگر برای اجرای این سیاست، بسترها و شرایط مورد نیاز در نظر گرفته نشده باشد، آزادسازی حساب سرمایه مخاطرات زیادی را به دنبال خواهد داشت. آن‌ها استدلال می‌کنند زمانی که محدودیتی برای ورود و خروج سرمایه وجود نداشته باشد، چنانچه کوچک‌ترین شوکی به اقتصاد پذیرنده سرمایه وارد شود، پول‌های سوزان به سرعت از کشور خارج می‌شوند و آسیب‌های جدی را به اقتصاد کشور میزبان سرمایه وارد می‌کنند. از طرف دیگر چنانچه چشم‌اندازهای اقتصادی در یک کشور خوب تلقی شوند، این امکان وجود دارد که سرمایه‌های خارجی بیش از حد وارد کشور شوند که این امر می‌تواند سبب افزایش موقتی بهای دارایی‌ها و ایجاد حباب دارایی‌ها شود.

نقد دیگری که به آزادسازی ورود و خروج سرمایه و دلایل آن می‌شود در خصوص سرریزهایی مانند انتقال مهارت‌های مدیریتی، تکنولوژی، دانش فنی و مواردی از این قبیل است. انتشار و جذب این سرریزها منوط به فراهم بودن یک سری شرایط و بسترهای اولیه در کشور میزبان است که به ظرفیت جذب معروف است. درحقیقت منتقدان آزادسازی حساب سرمایه معتقدند که اگر ظرفیت جذب کافی در کشورهای پذیرنده سرمایه وجود نداشته باشد، در این صورت آزادسازی بازار

سرمایه می‌تواند پیامدهای منفی به همراه داشته باشد. وضعیت محیط کسب و کار، میزان شیوع فساد، امنیت حقوق مالکیت، حکمرانی، کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت نیروی کار و شکاف تکنولوژی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر جذب سرریزهای مثبت ورود سرمایه خارجی به کشورها هستند.

بنابراین با توجه به مطالب فوق، آزادسازی بازار سرمایه تنها در صورت فراهم بودن شرایط و بستریهای اولیه، وجود قوانین و مقررات، نظارت موثر بر ورود و خروج سرمایه و فراهم بودن ظرفیت جذب در کشور، می‌تواند موجبات رشد و توسعه اقتصادی کشور را مهیا سازد.

تجربه آزادسازی بازار سرمایه

بررسی شواهد تاریخی گویای آن است که برداشتن موانع ورود و خروج سرمایه، می‌تواند عواقب ناخوشایندی را برای کشورهایی که از آمادگی‌های لازم و بستریهای قانونی مناسب برای ورود و خروج سرمایه برخوردار نیستند، به دنبال داشته باشد. در همین راستا به دلیل وجود چنین عواقبی، کشورهای اروپایی تا دهه ۷۰ میلادی، جریان آزاد سرمایه را ممنوع کرده بودند و اجازه ورود و خروج آزادانه سرمایه را نمی‌دادند.

شواهد تجربی در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی نشان می‌دهد که برخی از کشورها با دنبال کردن سیاست آزادسازی حساب سرمایه، با بحران‌های مالی سنگین و در نتیجه بی‌ثباتی‌های اقتصادی نظیر افزایش بیکاری، تورم و کاهش نرخ رشد اقتصادی مواجه شدند. آزادسازی سریع بازارهای مالی و سرمایه به تنهایی مهم‌ترین عامل بحران آسیای جنوب شرقی در سال ۱۹۹۷ بود و مسئولان و سیاستگذاران این منطقه، مشکل اصلی ایجاد این بحران را پول‌های سوزانی می‌دانستند که با آزادسازی بازار سرمایه وارد کشورشان شده بود.

به طور کلی می‌توان گفت آزادسازی سرمایه در شرایط خاصی می‌تواند اثرات مثبت بر اقتصاد کشور میزبان داشته باشد. به عبارت دیگر با توجه به میزان توسعه یافتگی بازارهای مالی و نهادهای اقتصادی در هر کشور، اثرات آزادسازی حساب سرمایه به صورت متفاوت خواهد بود. اگر بازارها به اندازه کافی توسعه یافته باشند، جریان ورود سرمایه می‌تواند منجر به تخصیص



بهینه منابع مالی و افزایش رشد اقتصادی شود. از طرف دیگر اگر آزادسازی بازار سرمایه به صورت زودهنگام انجام شود، منجر به افزایش بی‌ثباتی‌ها و پیدایش بحران می‌شود.

آیا ایران آمادگی لازم را برای آزادسازی دارد؟

براساس شواهد و تجربیات موجود، پیاده‌سازی موفق سیاست آزادسازی اقتصادی، به شرایط زیرساختی و قدرت اقتصادی آن کشور بسیار وابسته است. نگاهی به وضعیت کنونی ایران، این حقیقت را آشکار می‌سازد که بسیاری از الزامات و بسترهای مورد نیاز اجرای این سیاست در کشور فراهم نیست.

وضعیت کشور طی سال‌های اخیر حاکی از آن است که کشور در رکودی بی‌سابقه به سر می‌برد، شرایط تولید و به طور ویژه بخش صنعت کشور نابسامان است و بسیاری از بنگاه‌های کشور در شرف تعطیلی هستند.

نگاهی به وضعیت تجاری ایران هم نمایانگر آن است که بخش اعظم صادرات کشور مربوط به نفت و گاز و مشتقات آن‌ها است. بنابراین اتکای صرف به مزیت‌های نسبی در صادرات، کشور را از تمرکز بر تولیدات با ارزش افزوده بالا دور کرده و آن را به صادرکننده محصولات خام تبدیل ساخته است.

مروری بر آمادگی کشور برای آزادسازی بازار سرمایه نیز حاکی از آن است که در حال حاضر بسیاری از فاکتورهای موثر بر ظرفیت جذب سرمایه خارجی در کشور وجود ندارد. بر اساس شاخص‌های مختلف بین‌المللی، ایران هنوز آمادگی‌های لازم برای جذب سرریزهای سرمایه‌های خارجی را ندارد که در جدول (۲) نمره ایران در برخی از این شاخص‌ها نشان داده شده است.



جدول (۲): نمره ایران در شاخص های منتخب

رتبه ایران	نمره ایران	دامنه نمره (نمره بالاتر بیانگر وضعیت بهتر)	تعداد کشورها	سال	شاخص
۱۱۸	۵۷,۴	۰-۱۰۰	۱۸۹	۲۰۱۶	سهولت کسب و کار
۱۳۰	۲۷	۰-۱۰۰	۱۶۸	۲۰۱۵	ادراک فساد
۱۰۱	۴,۲	۰-۱۰	۱۲۸	۲۰۱۶	حقوق مالکیت بین المللی
۱۳۲	۳,۷	۱-۷	۱۴۰	۲۰۱۵	ظرفیت جذب تکنولوژی-ها در سطح بنگاهی
۱۰۲	۴	۱-۷	۱۴۰	۲۰۱۵	انتقال تکنولوژی از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۷۶	۳,۹	۱-۷	۱۴۰	۲۰۱۵	کیفیت زیرساخت ها

Source:

Doing Business Report 2016

www.transparency.org

www.Internationalpropertyrightsindex.org

The Global Competitiveness Report 2015-2016

بنابراین حرکت به سمت آزادسازی در شرایط کنونی می تواند بنیه بخش تولید را بیش از پیش تضعیف کند. آزادی تجاری و استقبال از ورود سرمایه های خارجی، نیازمند بسترسازی های اساسی در کشور و لحاظ شرایط اولیه است. متأسفانه از بعد جنگ تحمیلی همواره دولت ها در کشور به دنبال آزادسازی اقتصادی بوده اند، اما به دلیل فراهم نبودن شرایط و بسترهای مورد نیاز، نتایج مورد انتظار تحقق نیافته است.

پیش از حرکت به سمت آزادسازی، تقویت بنیه تولید از طریق حمایت های هدفمند و موثر از سوی دولت الزامی است. با کمال تأسف سیاست های حمایتی دولت طی چند دهه اخیر بسیار ناکارآمد بوده و مضمون توسعه ای نداشته اند. سال ها است که دولت ها حمایت های تعرفه ای غیر هدفمند از صنایع کشور به عمل آورده اند که دستاوردهای مورد نظر را در پی نداشته است.

نقش حمایت‌های تعرفه‌ای که به آن حمایت‌های اسمی گفته می‌شود، تنها آزاد کردن زمان برای پیاده‌سازی سایر سیاست‌های حمایتی است. تمرکز صرف بر حمایت‌های اسمی برای سال‌های طولانی، نه تنها منجر به تقویت صنایع داخلی و بهبود بنیه تولیدی کشور در جهت حرکت به سمت بازارهای جهانی نمی‌شود بلکه باعث ناکارآمدی صنایع مورد حمایت نیز می‌گردد. یکی از مصادیق حمایت‌های اسمی بی‌قید و شرط و بدون الزام به پاسخگویی، صنعت خودروسازی کشور است که تنها منجر به شکل‌گیری رانت و ناکارآمدی در این صنعت گردیده است.

از همین‌رو لازم است برای افزایش قدرت تولیدی در کشور، در کنار حمایت تعرفه‌ای، اقدامات دیگری نظیر بهبود محیط کسب‌وکار، مبارزه با فساد، کاهش هزینه‌های مبادله، بازنگری در قانون‌های مرتبط با تولید، اعطای یارانه‌های صادراتی، توسعه زیرساخت‌های کشور، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و مواردی از این قبیل در دستور کار قرار گیرند.

حمایت از بخش‌های اقتصادی باید بر اساس نقشه راه تولید (استراتژی توسعه صنعتی) و به صورت هدفمند صورت گیرد تا مضمون توسعه‌ای داشته باشد. حمایت هدفمند باید مشروط، مدت‌دار و در طول زمان کاهنده باشد. لازم به ذکر است که بخش‌های مورد حمایت باید ملزم به پاسخگویی در برابر حمایت صورت گرفته باشند. زیرا در غیراین صورت، حمایت‌های دولت به ضد خود تبدیل می‌شوند و نه تنها به ارتقای تولید کمک نخواهند کرد بلکه منجر به انحراف و اتلاف منابع و دورشدن از اهداف توسعه‌ای می‌گردند.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که آزادسازی، اگر شرایط و بسترهای اولیه آن مهیا گردد، سیاست خوبی است و می‌تواند دستاوردهای مثبتی را به دنبال داشته باشد اما اجرای صرف این سیاست بدون ایجاد الزامات اثربخشی آن، می‌تواند عواقب منفی برای کشور به همراه داشته باشد.

منابع فارسی:

۱. استیگلیتز، جوزف. (۱۳۹۴). جهانی‌سازی و مسائل آن، مترجم: حسن گلریز، نشر نی، چاپ هفتم
۲. تودارو، مایکل. (۱۳۹۵). توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: دکتر غلامعلی فرجادی، انتشارات کوهسار، چاپ بیستم
۳. چانگ، هاجون. (۱۳۹۲). نیکوکاران نابکار (افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه‌داری)، مترجمان: میرمحمود نبوی و مهرداد شهابی، انتشارات کتاب آمه، چاپ اول
۴. چانگ، هاجون. (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی سیاست صنعتی، مترجم: اصلا ن قودجانی، انتشارات نوین طراحان آزاد، چاپ اول.
۵. دفتر مطالعات محیط کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران. (۱۳۹۰). بررسی و نقد شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی (بنیاد هریتیج و موسسه فریزر)
۶. شریفی رنای، حسین، میرفتاح، مریم و ملاسماعیلی، حسن. (۱۳۹۲). تحلیل نقش مولفه‌های آزادسازی اقتصادی بر عملکرد بازارهای مالی کشورهای منا، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، سال ششم، شماره ۱۵
۷. گروه مدیریت و اقتصاد مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف. (۱۳۸۸). دولت توسعه‌گرا، مترجمان: آرش اسلامی و میثم قاسم نژاد، انتشارات: جواد ناصر بخت، چاپ اول
۸. لیست، فردریک. (۱۳۸۰). خطوط کلی نظام آمریکایی اقتصاد سیاسی، مترجم: ناصر معتمدی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول

منابع انگلیسی:

1. Doing Business Report 2016
2. The Global Competitiveness Report 2015-2016
3. www.transparency.org
4. www.Internationalpropertyrightsindex.org



فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف □

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقید؟

□ بلی □ خیر □

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

لطفاً این فرم را پس از تکمیل جدا نموده و به دفتر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران تحویل فرمایید.

